



مقاله پژوهشی

الزامات و اقتضانات نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای

علی‌اکبر علی‌خانی^۱

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

چکیده

نظریه‌پردازی در حوزه‌های میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اجتماعی دشوارتر از نظریه‌پردازی رشته‌ای در این حوزه است. علاوه بر چارچوب نظری و روش که لازمه هرگونه نظریه‌پردازی است، نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای به برخی زمینه‌ها، شرایط و ویژگی‌های دیگری نیز نیاز دارد. مسئله این مقاله تبیین این ویژگی‌ها و شرایط به‌عنوان الزامات و اقتضانات نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای است. پرسش اصلی این است که نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، به‌غیر از چارچوب نظری و روش که بحث این مقاله نیست، به چه الزامات و اقتضاناتی نیاز دارد؟ مقاله این الزامات و اقتضانات را در چهار بخش دسته‌بندی و ارائه کرده است که عبارت‌اند از: علمی، فرهنگی، ذهنی و شخصیتی. مقصود از الزامات و اقتضانات علمی رعایت برخی قواعد مربوط به دانش و پژوهش است. منظور از الزامات و اقتضانات فرهنگی برخی روش‌ها و منش‌های نهادینه‌شده در رفتار و نگرش افراد است. الزامات و اقتضانات ذهنی به قابلیت‌ها و مهارت‌های ذهنی، زبانی، و اندیشه‌ورزی اشاره دارد. در الزامات و اقتضانات شخصیتی، برخی روحیات و ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی نظریه‌پرداز مدنظر بوده است. مقصود از «الزامات و اقتضانات»، قابلیت‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های لازم برای نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای است. در این تحقیق از دو روش پدیدارشناسی و روش مدل‌سازی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: مهارت نظریه‌پردازی، روش نظریه‌پردازی، فرهنگ علمی، شخصیت علمی

۱. مقدمه و بیان مسئله

نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های فهم تحولات پیچیده در جوامع انسانی و خلق دانش و اندیشه است. برای نظریه‌پردازی در این حوزه هم داشتن چارچوب نظری و هم پیروی از روش مناسب ضروری است. مورد روش‌های نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای آثاری نوشته شده ولی موضوع بحث ما نیست. مسئله این است که صرف رعایت چارچوب نظری و روش برای نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای کافی نیست. نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای به برخی زمینه‌ها، شرایط و ویژگی‌های دیگری نیز نیاز دارد. مسئله این تحقیق پرداختن به این ویژگی‌ها و شرایط به‌عنوان الزامات و اقتضائات نظریه‌پردازی است. بر این اساس پرسش اصلی این است که - به غیر از چارچوب نظری و روش که موضوع این مقاله نیست - نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای در علوم انسانی و اجتماعی به چه الزامات و اقتضائاتی نیاز دارد؟ برای پاسخ به پرسش اصلی، مباحث در چهار بخش ارائه شده و الزامات و اقتضائات نظریه‌پردازی را در زمینه‌های علمی، فرهنگی، ذهنی و شخصیتی دسته‌بندی و ارائه کرده‌ایم که در مجموع ۳۰ ویژگی یا الزام ارائه شده است. راهکارهای کسب و تقویت اغلب این الزامات و اقتضائات به آموزش و تمرین عملی نیاز دارد که از موضوع این مقاله خارج است. در حد کلی که برای پژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی گشودن راهی و نشان دادن چشم‌اندازی باشد به اجمال به مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرده‌ایم. توجه به این ویژگی‌های نگرشی روشی، علاوه بر نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای، برای انجام سایر پژوهش‌ها نیز مفید است. مقصود از «الزامات و اقتضائات» قابلیت‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که برای نظریه‌پردازی لازم است.

۲. پیشینه تحقیق

«روش تحقیق»، «نظریه» و «نظریه‌پردازی» را به معنای رایج امروزی باید میراث اثبات‌گرایی^۱ دانست و در آن پارادایم درک کرد. با این حال سایر پارادایم‌های علمی مثل



تفسیری، انتقادی، پست‌مدرن و...؛ «روش»، «نظریه» و «نظریه‌پردازی» را در حوزه علوم انسانی و اجتماعی آن‌گونه که مد نظر اثبات‌گرایی بود از حیث انتفاع انداختند ولی نتوانستند آن را به کلی کنار بزنند، در عوض تغییرات جدی در آن پدید آوردند، از شدت و غلظت اثبات‌گرایانه آن کاستند، و آن را برای حوزه علوم انسانی و اجتماعی با رویکردهای اندیشه‌ای و پژوهش‌های کیفی به نوعی بومی و کاربردی کردند. این مقاله نیز با همین رویکرد کیفی، الزامات و اقتضانات نظریه رفتاری را بحث کرده است. در باره چیستی نظریه (کرایب^۱، ۱۳۸۱، ۴۰-۱۱) و تعریف آن آثار متعددی منتشر شده است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶، ۱۵۸). برخی آثار نیز به ویژگی‌های خاص نظریه‌ها و تفاوت آن‌ها با سایر متون علمی اشاره کرده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۸۹، ۹۳-۹۵؛ ون دی ون^۲، ۱۳۹۲، ص ۴۴-۴۵). این آثار اگرچه پیشینه و ادبیات نظریه‌پردازی است اما به موضوع این مقاله نپرداخته‌اند. یکی از منابعی که به‌طور غیرمستقیم به موضوع این مقاله ارتباط پیدا می‌کند کتاب مهارت‌های نظریه‌پردازی و مدل‌سازی (جاکارد و جکوبی^۳، ۱۳۹۵) است. بخش عمده این کتاب به روش‌های تکنیکی و مکانیکی برای نظریه‌پردازی به‌طور کلی اختصاص دارد و به مباحثی در مورد علل و عوامل غیر فنی و غیر روشی مؤثر در نظریه‌پردازی اشاره کرده است و در این مقاله به برخی از آن‌ها ارجاع داده‌ایم. منبع دیگری که می‌توان نام برد کتاب نظریه‌پردازی ترجمه سیدرضا حسینی مجموعه‌ای از دوازده مقاله از نویسندگان برجسته خارجی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷). این کتاب به مباحث فنی برای نظریه‌پردازی، یا مباحث فلسفی در باب نظریه‌پردازی پرداخته است. شاید به سختی بتوان برخی مباحث مشابه این مقاله را از لابلاهای سطور استنباط کرد. یکی از منابعی که مباحثی در باب نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای مطرح کرده مقاله «ارزیابی نظریه‌پردازی در مطالعات مدیریت آموزشی بر اساس معیارهای میان‌رشته‌ای» است. اگر چه محور این مقاله مدیریت آموزشی است ولی به تناسب موضوع به

1. Craib
2. Van de Ven
3. Jacquart & Jacoby





نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای نیز پرداخته است (آهنچیان و همکاران، ۱۴۰۰). یکی دیگر از منابع قابل توجه در این حوزه کتاب روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی است. این اثر اگر چه به نظریه‌پردازی نپرداخته ولی مباحث مهم و کاربردی در حوزه روش در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی مطرح کرده است (درزی و قراملکی، ۱۳۹۹). نگارنده بیشتر مقاله‌ای در باب چالش‌ها و موانع فرهنگی نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای منتشر کرده که با این بحث متفاوت است (علیخانی، ۱۴۰۳ الف).

۳. روش تحقیق

برای انجام این تحقیق از دوروش استفاده شده است. روش نخست پدیدارشناسی است که طی آن پژوهشگر به شناخت مستقیم ویژگی‌های یک پدیده بر اساس تجربه انسانی می‌پردازد، پدیده را با توجه به تجربه‌ها توصیف می‌کند و سپس به «نحوه بروز» و «معناسازی حاصل از تجربه» با یک «رویکرد نظام‌مند» اقدام می‌کند. تجربه‌ها می‌توانند هم از نوع «عینی یا تجربه مادی و ملموس» باشند و هم در امور و پدیده‌های «ذهنی و انتزاعی» فهم و صورتبندی شوند (قاسمی، ۱۴۰۰، ۳۸۸). در این روش پژوهشگر کنش‌های انسانی را به‌عنوان یک واقعیت ساخت علمی می‌دهد. به نظر آلفرد شوترز ساخت واقعیت در دو سطح اتفاق می‌افتد، در سطح نخست کنشگران اجتماعی رفتارهای روزمره خود در بستر و زمینه معینی بر مبنای مقتضیات و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند تفسیر می‌نمایند. در سطح دوم اندیشمندان تلاش می‌کنند دریابند که کنشگران چگونه این کار را انجام می‌دهند، در چنین حالتی، پژوهشگر در فرایند تفسیر و تشخیص معانی مورد نظر خود از مشاهدات انجام شده قرار می‌گیرد. معنایی که از سوی پژوهشگر به تجربه الصاق می‌شود بسیار مهم است و این بدان معناست که از تجربه چیزی می‌سازد. آنچه در این فرایند ساخته می‌شود یک پدیدار یا واقعیت است. در پدیدارشناسی تفسیری، در یک فرایند چهار مرحله‌ای، محوریت تفسیر تجربه زیسته انسان است و تجربه زیسته همان پدیده‌ای است که به صورت نوشته و متن بیرون می‌آید (ایمان، ۱۳۹۷، ۱۹-۲۴).



روش دوم که در این تحقیق استفاده شده «روش مدل‌سازی» است. مدل یکی از مفاهیم مهم در فلسفه علم و معرفت‌شناسی معاصر برای تحلیل واقعیت‌هاست. یکی از وظایف و کارکردهای دانش فهم واقعیت است و مدل می‌تواند بخش قابل تصور از یک واقعیت را در حد خودش به ما نشان دهد. مدل می‌تواند عناصر یک واقعیت و نحوه تعامل این عناصر را با یکدیگر و روابط آن‌ها را با محیطشان آشکار کند. مدل ابزاری برای تحلیل واقعیت‌ها و یک روش کنترلی برای شرح و تأویل خصوص روابط بین متغیرها یا دستگاهی از مفاهیم یا پدیده‌هاست که با استعاره‌های نظام‌مند، که قدرت تبیین‌کنندگی دارند، همراه می‌شود و هدف آن نظم‌دهی و ساده‌سازی دیدگاه ما درباره یک واقعیت یا بخشی از آن است. مدل‌ها به واقعیت نزدیک می‌شوند ولی به‌طور کامل بر آن منطبق نمی‌شوند. به عبارت دیگر، فقط ابعادی از واقعیت در مدل نشان داده می‌شود که پژوهشگر آن‌ها را مهم می‌داند. ارکان مدل عبارت‌اند از: اجزاء، متغیرها، پارامترها، ارتباطات تابعی، محدودیت‌ها و تابع معیار (خنیفر و مسلمی، ۱۴۰۲، ج ۱، ۵۲۱ و ۵۲۳-۴). گفتنی است اگر چه مباحث مقاله عام است ولی بیشتر فضای جامعه علمی ایران مد نظر بوده است. بخشی از مباحث تجربیات شخصی نگارنده طی چند دهه پژوهش و تدریس روش تحقیق در مقاطع تحصیلات تکمیلی بوده است.

۴. نظریه و نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای

نظریه چیست و چه تعریفی دارد؟ چنانکه از تعاریف متعدد نظریه برمی‌آید نظریه یکی از صورت‌هایی است که دانش معتبر و قابل اتکا در قالب آن ارائه می‌شود و ساخته ذهن و نتیجه خلاقیت پژوهشگران و متخصصان بر مبنای تجربه‌ها و رخدادهای جوامع بشری، برای فهم درست‌تر آنها، و کشف و فهم علل و ریشه‌های آنهاست. نظریه، قابل فهم‌کردن پدیده‌های واقعی از طریق کشف و بازسازی منطق درونی حاکم بر آنهاست. همچنین نظریه تجزیه یک واقعیت، مفهوم‌سازی و اسم‌گذاری برای بخش‌های مختلف آن، کشف یا تعریف ارتباط منطقی بین مفاهیم و بخش‌ها، و در نهایت قابل فهم‌کردن



ماهیت آن برای مخاطب است. میزان توانایی تبیین و پیش‌بینی هر نظریه‌ای، به میزان تطابق آن با واقعیت‌ها بستگی دارد. در کتاب نظریه‌پردازی با نظریه و روش ارته بیست و پنج تعریف از نظریه از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف بیان شده است (علیخانی، ۱۴۰۳، ب، ۳۲-۲۸). در تعریفی که نویسنده از نظریه در این کتاب ارائه داده:

نظریه مجموعه‌ای نظام‌مند از مفاهیم، انگاره‌ها، فرض‌ها، اصول، قواعد، گزاره‌ها و تعاریف برآمده از مشاهده، دانش، تجربه و خلاقیت است که با شناخت و برقراری روابط بین آنها، به: توصیف، تحلیل، تعلیل و تبیین سرشت پدیده‌ها و رفتارهای انسانی و اجتماعی، کشف روابط علی بین آنها، چستی، چرایی و چگونگی علل و متغیرها، و گاهی به پیش‌بینی آینده می‌پردازد (علیخانی، ۱۴۰۳، ب، ۳۲).

«نظریه‌پردازی» ساخت یک نظریه با ویژگی‌های فوق و در قالب یک چارچوب نظری و روش مشخص است. به عبارت دیگر، نظریه محصول و نتیجه فرایند و اقدامات خلاقانه ذهنی و عملی پژوهش‌مبناست که به این فعالیت علمی و فرایند «نظریه‌پردازی» می‌گوییم. نظریه ضرورتاً با طی کردن آن فرایند و پایبندی به برخی چارچوب‌های نظری و روشی به‌مثابه یک سیستم ساخته و پرداخته می‌شود. نظریه‌پردازی به تناسب ماهیت موضوع و حوزه تخصصی، مرحله‌ها و اقتضانات نظری و روش‌های مختلفی دارد.^۱ در تعریفی که نگارنده از نظریه‌پردازی به معنای کلی ارائه داده است:

«نظریه‌پردازی عبارت است از فرایندی که از کنج‌کاوی عالمانه و روشمند برای فهم یک پدیده آغاز می‌شود و با ساخت خلاقانه مفاهیم جدید و ایجاد ارتباط نظام‌مند بین آن مفاهیم و واقعیت‌های مربوطه، با کشف روابط بین علل و متغیرهای پدیده و قواعد حاکم بر آنها، در نهایت به ساخت یک نظام مفهومی-واقعی برای فهم پدیده می‌انجامد» (علیخانی، ب، ۱۴۰۳، ۳۳).

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

- حسن دانایی‌فرد (۱۳۸۶). نظریه‌پردازی؛ مبانی و روش‌شناسی‌ها. تهران: انتشارات سمت، صص ۳۱۷-۳۱۷ و ۳۷۰-۳۴۷. در این اثر نویسنده چهار روش را برای نظریه‌پردازی معرفی کرده، و یک روش نیز خود نویسنده ارائه داده است.
- سیدحسین سیف‌زاده (۱۳۸۸). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران: انتشارات سمت، صص ۲۴-۱۵.
- Swedberg, R. (2012). Theorizing in sociology and social science: turning to the context of discovery. *Theory and Society*, 41(1), 1- 40.

اما نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای و جوه پیچیده‌تری دارد. تعریف نگارنده از نظریه‌پردازی

میان‌رشته‌ای به شرح زیر است:

نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای عبارت است از فرایندی که از کنجکاوایِ عالمانه و روشمند برای فهم یک پدیده چند وجهی آغاز می‌شود و با ساخت خلاقانه مفاهیم جدید در پارادایم‌های مختلف علمی و ایجاد ارتباط نظام‌مند بین آن مفاهیم و واقعیت‌های مربوطه، با کشف روابط چندجانبه بین علل و متغیرهای پدیده و قواعد حاکم بر آن‌ها، در نهایت به ساخت یک نظام مفهومی-واقعی برای فهم پدیده می‌انجامد.

۵. یافته‌ها؛ الزامات و اقتضانات نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای

در ادامه به چهار دسته الزامات و اقتضانات نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای می‌پردازیم. اغلب این الزامات و اقتضانات، در نظریه‌پردازی رشته‌ای نیز باید رعایت شوند با این حال در نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای ضرورتی مضاعف و ابعاد پیچیده‌تری دارند.

۱-۵. الزامات و اقتضانات علمی

اگرچه الزامات و اقتضانات علمی پژوهشی از یک جهت مهم‌تر از سه دسته نگرش‌ها و منش‌های بعدی هستند و بر آن‌ها تقدم رُتبی دارند، ولی از جهات مختلف سایر الزامات و اقتضانات تقدم زمانی و زمینه‌ای دارند و پایبندی به آن‌ها دشوارتر از الزامات و اقتضانات علمی پژوهشی است، آموزش، فراگیری، تمرین و به‌کار بستن الزامات و اقتضانات علمی پژوهشی شدنی‌تر و دست‌یافتنی‌تر از سایر الزامات و اقتضانات علمی پژوهشی است. الزامات و اقتضانات علمی پژوهشی در پی می‌آیند.

۱. مسئله‌مندی میان‌رشته‌ای: داشتن مسئله چندوجهی و داشتن دغدغه میان‌رشته‌گی

برای حل آن، مهم‌ترین شرط برای گام‌نهادن در وادی پژوهش و نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای است. چنین مسئله‌ای باید به‌طور مشترک در حوزه بیش از یک رشته شکل بگیرد، در یک فرایند طبیعی در مواجهه پژوهشگر با مشکلات جامعه خود برای او پدید آید و ذهن او را به خود مشغول کند و برای حل آن با بهره‌گیری از پارادایم‌های چند رشته، در او دغدغه و وسوسه ایجاد شود. داشتن مسئله میان‌رشته‌ای حالتی در پژوهشگر و





نظریه‌پرداز ایجاد می‌کند که او را آسوده‌خاطر نمی‌گذارد و وی خود را به‌لحاظ اخلاقی یا از باب مسئولیت اجتماعی یا وظیفه‌سازمانی مکلف و موظف به حل آن با بهره‌گیری از حوزه‌های معرفتی چند رشته می‌داند و حاضر است برای آن وقت و انرژی بگذارد و هزینه‌ای بیشتر از نظریه‌پردازی رشته‌ای پرداخت کند. در خصوص چیستی مسئله و چگونگی مسئله و طرح آن اغلب آثار روش تحقیق بحث کرده‌اند.^۱

۲. جرئت‌مندی میان‌رشته‌ای: داشتن جرئت و جسارت علمی یکی از ضرورت‌های نظریه‌پردازی است و نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای جرئت و جسارت بیشتری نیاز دارد. جرئت نوآوری و جسارت علمی، جرئت گذار از مشهورات و مسلّمات رشته، جرئت شکستن عادت‌ها، جرئت عبور از مرزهای شناخته شده هر رشته و مواردی از این قبیل است. جرئت‌مندی زیر سؤال بردن یا نادیده گرفتن مستند و مستدل فرضیه‌ها و باورهای علمی موجود در یک رشته است که بزرگان علمی آن‌ها را قبول دارند یا فضای غالب جامعه ذی‌ربط آن را درست می‌داند و به آن احترام می‌گذارد. گام بعدی ارائه یافته‌های جدید متقن‌تر و کارآمدتر بر آمده از چند رشته به جای آن‌هاست.

۳. داشتن نگرش و بینش میان‌رشته‌ای: مهم‌ترین ضرورت وارد شدن به حوزه‌های میان‌رشته‌ای عموماً و نظریه‌پردازی در این حوزه خصوصاً، داشتن تخصص در رشته‌های مربوطه است. هیچ‌کس با خواندن تعدادی کتاب و مقاله در یک موضوع، در آن حوزه متخصص نمی‌شود؛ اگر چه اطلاعات خوبی به دست می‌آورد. بنابراین، نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای باید مراقب باشد در دام «توهم دانایی» نیفتد و به‌طور جامع و دقیق در رشته‌های مورد نظر متخصص شود یا از متخصصان دیگر بهره بگیرد.

۴. ایده‌پردازی: تمام نوآوری‌های بشر از ایده‌پردازی نشئت می‌گیرد. ایده‌ها اول در ذهن شکل می‌گیرند، به تدریج پخته می‌شوند، و سپس تحقق می‌یابند. ایده نظریه میان‌رشته‌ای ابتدا باید در ذهن نظریه‌پرداز در قالب ایده‌های پراکنده و مبهم شکل بگیرد،

۱. برای نمونه رجوع کنید به: ذکایی، ۱۴۰۲، ص ۲۱-۴۷؛ بلیکی، ۱۳۹۹، ص ۶۸-۷۰؛ قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵-۱۵۱؛ ربکو، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳-۲۴۴.

ورز بخورد، صیقل یابد و سپس با اتصال اجزای مختلف، یک نظام نظری میان‌رشته‌ای و چندرشته‌ای شکل بگیرد. در کتاب مهارت‌های نظریه‌پردازی و مدل‌سازی، ۲۶ روش برای ایده‌پردازی بیان شده است.^۱

۵. نوشتن ایده‌های اولیه: نکته بسیار مهم در ایده‌پردازی، آوردن ایده‌های اولیه و ناقص و نپخته روی کاغذ است. وقتی ایده‌ها نوشته می‌شوند، عینیت می‌یابند، خود را به صورت ملموس نشان می‌دهند، نقاط ضعف و قوتشان معلوم می‌شود و بهتر می‌توان آنها را تنقیح و تکمیل کرد. بنابراین، نخستین گام برای تحقق ایده، نوشتن آن است. هر روز هزاران ایده در ذهن‌ها ایجاد می‌شود و به دلیل ننوشتن پس از مدتی دستخوش فراموشی می‌گردد. پس از نگارش ایده‌ها باید دقت کرد که وجوه میان‌رشته‌ای آن‌ها برجسته باشد.

۶. مفهوم‌سازی میان‌رشته‌ای: بخش مهمی از نظریه‌پردازی مفهوم‌سازی است. مفهوم‌سازی در نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای باید چندوجهی و عمیق‌تر و از چند پارادایم علمی باشد. پژوهشگر و نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای نباید هراس داشته باشد از اینکه واژه‌ها و مفاهیمی را ابداع و اختراع کند یا از ترکیب مفاهیم موجود یک مفهوم جدید بسازد. مهم نیست که این مفهوم مورد قبول جامعه علمی یکی از رشته‌های یا همه حوزه‌های میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد یا نمی‌گیرد. هر دو حالت ممکن است ولی نظریه‌پرداز نباید از ترس اینکه مفهوم ساخته‌شده عجیب یا نامأنوس به نظر می‌رسد از ابداع مفاهیم دست بردارد. همه مفاهیم روزی نبوده‌اند و کسی آن‌ها را ابداع کرده است.

۷. تعریف‌سازی: تعریف‌سازی میان‌رشته‌ای مرحله‌ای تخصصی‌تر از مفهوم‌سازی است با اینحال در ارائه تعریف‌های جدید بر آمده از چند حوزه دانش و معرفت نیز پژوهشگر و نظریه‌پرداز نباید هراس به خود راه بدهد. این که تعریفش تا چه حد متقن است و آیا مورد قبول جامعه علمی قرار می‌گیرد، نباید موجب نگرانی نظریه‌پرداز باشد؛ چون اغلب معتقدان به یک رشته تعاریف میان‌رشته‌ای را برنمی‌تابند. ضمن اینکه تعاریف به تدریج طی تحقیق و بعد از آن کامل می‌شوند. همه کسانی که به تعریف

۱. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: جاکارد و جکوبی، ۱۳۹۵، ص ۹۹-۱۳۷.





مفاهیم میان‌رشته‌ای پرداخته‌اند کمابیش انسان‌هایی مثل بقیه بوده‌اند و به تدریج تعریف تعمیق شده و مقبولیت عام پیدا کرده است.^۱

۸. تکمیل تدریجی: هیچ اثر علمی، فکری، هنری، و هیچ اختراع و ابداعی، از ابتدا در حد مطلوب یا عالی نبوده است؛ بلکه به تدریج شکل گرفته، نواقص آن رفع شده، مراحل تکامل را طی کرده، و به سطح قابل قبول ارتقا یافته است. هر متن علمی یا ایده و اندیشه و اختراعی تا نوشته نشود و عینیت نیابد نقاط ضعف و قوتش روشن نمی‌شود و نمی‌تواند مراحل تکمیل و تکامل را طی کند. پژوهشگر، نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای و هرکسی که می‌خواهد مدلی ارائه دهد حتماً باید از ابتدا آن را روی کاغذ بیاورد، از بیرون به آن نگاه کند، در معرض نقد و قضاوت دیگران قرار دهد و به تدریج آن را کامل کند. هر اثر ارزشمند و عمیقی، با رفت و برگشت‌ها و بازبینی‌های مکرر بر اساس نظر منتقدان به تکامل می‌رسد.

۹. ویرایش مکرر: بلافاصله پس از اتمام اولیه متن تحقیق یا نظریه میان‌رشته‌ای نباید آن را به کاربران داد یا به چرخه نشر سپرد. هر متن علمی، به‌ویژه در حوزه میان‌رشته‌ای، باید پخته و رسیده شود، پخته‌شدن متن به این است که پس از نهایی شدن، مدتی بماند و نویسنده بارها در شرایط و حال‌وهوای مختلف به ویرایش علمی و محتوایی آن پردازد. بهتر است بعد از اتمام متن، نویسنده فیش‌های قبلی را مجدداً مرور کند، و آثار جدیدی را در حوزه میان‌رشته‌ای یا چندرشته‌ای در موضوع مطالعه کند و سپس به متن اصلی بازگردد و برای چندمین بار آن را ویرایش و تکمیل کند.

۱۰. خلاصه‌نویسی: شایسته است هر متن علمی «کوتاه و گویا» باشد. پرهیز از «اطناب مُملّ و ایجاز مُخلّ»^۲ لازمه هر متن علمی و پژوهشی است. یعنی به اندازه‌ای باشد که نه بتوان جمله‌های اضافی و قابل حذف در آن دید و نه آنقدر خلاصه باشد که معنی را نرساند. یکی از خطاهای رایج نوشتاری، طول و تفصیل بی‌جا، توضیح

۱. درخصوص برخی قواعد تعریف رجوع کنید به: قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷-۱۷۸.

۲. طول و تفصیل ملال آور یا تلخیص بیش از حد که معنی و مقصود را نرساند.

واضحات، یا پرداختن به موضوعات و مباحث مقدماتی یا حاشیه‌ای است که هدف اصلی آن متن یا تحقیق نیست. شاخص این است که هر جا بتوان مبحث، جمله، یا کلمه‌ای را حذف کرد که اخلال در معنی و مقصود نویسنده و هدف متن ایجاد نکند، باید حذف کرد.

۱۱. تاریخ‌دانی: «ملتی که تاریخ نداند مجبور به تکرارش خواهد بود».^۱ دانستن تاریخ جامعه ذی‌ربط برای پژوهشگر و نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای ضروری است. هیچ پژوهشگر و نظریه‌پردازی نمی‌تواند بدون آگاهی از تاریخ جامعه‌ای که درباره آن می‌نویسد متن متقن و قابل‌اتکایی خلق کند. این امر در نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای اهمیتی مضاعف می‌یابد. این بدان معنی نیست که ضرورتاً از مباحث تاریخی در پژوهش یا نظریه خود استفاده کند؛ بلکه بدین معناست که مطالعه تاریخ یک بینش و نگرشی به محقق و نظریه‌پرداز می‌دهد که در تمام مباحث او مؤثر خواهد بود و نظراتش را عمیق‌تر، واقع‌گرایانه‌تر، عالمانه‌تر، مفیدتر، و کاربردی‌تر خواهد کرد.

۱۲. فرهنگ‌شناسی: علاوه بر حوزه‌های تخصصی میان‌رشته‌ای، یکی از مهم‌ترین مراحل نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای شناخت مؤلفه‌های فرهنگی است و همین امر غلظت میان‌رشته‌ای نظریه را افزایش می‌دهد. فرهنگ زیربنای جامعه‌پذیری و شکل‌دهی شخصیت انسان‌ها و رفتارها و واکنش‌های کسانی است که موضوع پژوهش و نظریه‌پردازی قرار گرفته‌اند. بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی و به تبع آن خلق خوی انسان‌ها پنهان و غیر رسمی هستند و حتی گاهی قابل بیان و بحث نیستند ولی در کنش‌ها و واکنش‌های کنشگران سیاسی اجتماعی تأثیر بسزایی دارند و پدیده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این متغیرها و پیچیدگی‌های فرهنگی و خلقی مشاهده‌ناپذیر یا سخت مشاهده‌پذیرند به آسانی و در کوتاه‌مدت قابل فهم و کشف نیستند و شناخت

۱. این مضمون با عبارات گوناگون و منسوب به اشخاص متعدد، رایج است؛ اما معروف‌ترین آنها از زبان «جورج سانتایانا» فیلسوف آمریکایی بیان شده است که می‌گوید: «کسانی که نتوانند گذشته را به یاد بیاورند، محکوم به تکرار آن هستند.» (Santayana, 1905). یا «کسانی که از تاریخ نیاموزند، محکوم به تکرار آن هستند»، و یا «کسانی که نتوانند گذشته خود را به یاد بیاورند، محکوم به تکرار اشتباهات خویش‌اند»، و یا «کسانی که تاریخ نخوانند، محکوم به تکرار آن هستند» و «کسانی که نتوانند از اشتباهات پیشین خود درس بگیرند، محکوم به تکرار آنها هستند».



آن‌ها به تلاش و تجربه نیاز دارد. بدون شناخت زیرساخت‌ها و بن‌مایه‌های فرهنگی جامعه مورد مطالعه، پژوهش و نظریه عمیق و کارآمد نخواهد بود. فرهنگ ایرانی از جمله پیچیده‌ترین فرهنگ‌ها در جهان به‌شمار می‌رود^۱ و بدون شناخت آن فهم پدیده‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی ایران به آسانی امکان‌پذیر نخواهد بود.

جدول ۱. الزامات و اقتضائات علمی

ردیف	ویژگی موردنیاز	ضرورت - پیامد علمی
۱	مسئله‌مندی میان‌رشته‌ای	حل مسئله اولین شرط هر پژوهش و نظریه‌پردازی
۲	جرت‌مندی میان‌رشته‌ای	شکستن مرزهای موجود دانش و گذار از مشهورات علمی
۳	بینش میان‌رشته‌ای	ضرورت تخصص در چند رشته و شناخت پارادایم‌های آن‌ها
۴	ایده‌پردازی	شروع هرگونه دانش و نوآوری از ایده
۵	نوشتن ایده‌های اولیه	فراموشی ایده‌ها بدون ثبت و نگارش
۶	مفهوم‌سازی میان‌رشته‌ای	شکل‌گیری هر نظریه از مجموعه‌ای از مفاهیم جدید
۷	تعریف‌سازی	ضرورت تعریف مفاهیم در راستای اهداف نظریه
۸	تکمیل تدریجی	صیقل خوردن تکمیل تدریجی هر دستاورد علمی
۹	ویرایش مکرر	پخته و عمیق شدن نظریه در ویرایش‌های مکرر
۱۰	خلاصه نویسی	ضرورت پایبندی به اصل «پرهیز از اطناب ممل و ایجاز منحل»
۱۱	تاریخ دانی	«ملتی که تاریخ نداند مجبور به تکرارش خواهد بود»
۱۲	فرهنگ‌شناسی	فرهنگ زیربنای تمام نگرش‌ها، بینش‌ها و کنش‌ها



۵-۲. الزامات و اقتضائات فرهنگی

فرهنگ زیربنای تمام نگرش‌ها و منش‌های انسان است و در جامعه‌پذیری افراد از طفولیت تا بزرگسالی ریشه دارد.^۲ بخش عمده فرهنگ در ناخودآگاه انسان‌ها نشسته و با تربیت آن‌ها دارای پیوند وثیق است. تعاریف متعددی از فرهنگ^۳ و جامعه‌پذیری^۴ ارائه شده است که موضوع بحث ما نیست. مقصود از الزام‌ها و اقتضائات فرهنگی، نگرش‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: سریع‌القلم، ۱۳۸۶؛ فراستخواه، ۱۳۹۹؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹؛ غلامی، ۱۳۹۹؛ نراقی، ۱۳۹۹؛ جمالزاده، ۱۳۴۴.
 ۲. درخصوص تعریف نویسنده از فرهنگ و جامعه‌پذیری رجوع کنید به: علیخانی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۳-۱۰۴.
 ۳. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: آشوری، ۱۳۹۳؛ بشیری، ۱۳۷۹.
 ۴. برای دیدن این تعاریف رجوع کنید به: منادی، ۱۳۸۷؛ اوپرفیلد، ۱۳۹۷.

و منش‌هایی است که پژوهشگر و نظریه‌پرداز خودش باید واجد آن‌ها باشد تا بتواند نظریه‌های عمیق‌تر، کارآمدتر و مقرون به صحت و واقعیت در حوزه میان‌رشته‌ای پردازد. مهم‌ترین الزام‌ها و اقتضائات فرهنگی به شرح زیرند:

۱. پرهیز از تعصب میان‌رشته‌ای: تعصب در هر امری یک ویژگی فرهنگی و شخصیتی است. واقعیت‌های انسانی و اجتماعی بسیار پیچیده‌تر از آن هستند که به آسانی توسط یک نفر و از منظر یک علم قابل درک و فهم باشند. به هر میزان و از هر منظر پژوهشگر و نظریه‌پرداز تلاش کند واقعیت مورد مطالعه را بفهمد، باز هم ابعادی از آن مبهم نامکشف خواهد ماند. به همین دلیل، نه تنها در حوزه تک‌رشته‌ای، بلکه در حوزه‌های میان‌رشته‌ای نیز نظریه‌پرداز نباید بر اتقان و صحت اندیشه‌ها، یافته‌ها و آثار خود تعصب و اصرار ورزد و مطلق‌گویی و خودحق‌پنداری کند. به همان میزان که تعصب رشته‌ای منفی است، تعصب میان‌رشته‌ای نیز آثار زیان‌بار علمی دارد. این ویژگی دریچه ذهن انسان را بر نقد و نظر دیگران می‌بندد و اولین نقطه درجا زدن و انحطاط است. هیچ تضمینی وجود ندارد که نظریه‌ها و اندیشه‌هایی، حتی میان‌رشته‌ای، ضرورتاً یا برای همیشه درست باشند.^۱ استقبال از نقد و نظر دیگران نخستین شرط اندیشه‌ورزی و دانشمندی است (آمدی، ۱۴۱۰ق، ۱۹۸).

۲. واقع‌گرایی تلخ: نظریه‌پردازی پرداختن به واقعیت‌هاست و نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای پرداختن به واقعیت‌های پیچیده‌تر و چندبُعدی است. مقصود از واقع‌گرایی تلخ این است که انسان خود را با واقعیت‌هایی روبه‌رو کند که برایش تلخ هستند و دوست ندارد آن‌ها را بشنود یا بپذیرد.^۳ یکی از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی این است که معمولاً افراد واقعیت‌ها را آن‌گونه که دوست دارند فهم می‌کنند نه آن‌گونه که هست. این

۱. اصول مسلم اخلاقی و انسانی که از آن‌ها به حُسن و قبح عقلی و ذاتی یاد می‌شود از شمول بحث ما خارج‌اند. مقصود ما عدم تعصب و اصرار بر دانسته‌ها و یافته‌های یک نظریه علمی است که بر اساس داده‌های محدود در یک زمان و مکان مشخص به نتایجی رسیده است.
۲. امام علی (ع) فرمود: احمق النَّاس من ظنَّ انهَ اعقل النَّاس. احمق‌ترین مردم کسی است که فکر می‌کند عاقل‌ترین است. (عبدالواحدبن محمد آمدی، ج ۱، ص ۱۹۸). مولانا هم در دفتر سوم مثنوی می‌گوید: سخت‌گیری و تعصب خامی است/ تا جینی کار خون آشامی است.
۳. امام علی (ع) در نامه خود به حاکم مصر توصیه کرد و آن کس را بر دیگران بگزین که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید، و در آنچه کنی یا گویی -و خدا آن را از دوستانش ناپسند دارد- کمتر یاری‌ات کند. و به پارسایان و راستگویان ببیوند و آنان را چنان بپرور که تو را فراوان نستانند و با ستودن کار بیهوده‌ای که نکرده‌ای خاطر را شاد نمایند، که ستودن فراوان خودپسندی آرد و به سرکشی و ادارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).





ویژگی تقریباً به اغلب سطوح جامعه از حاکمان و مدیران گرفته، تا ارکان تصمیم‌گیری و حتی مجامع علمی و دانشگاهی رسوخ کرده است. این ویژگی که می‌توان آن را «ایدئال‌گرایی کبکی»^۱ نامید به این معنی است که افراد واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرند، یا آن را به‌گونه‌ای که دوست دارند تفسیر و توجیه می‌کنند، یا از آن فرار می‌کنند چون وفق مرادشان نیست و تمایل ندارند با چنین شرایطی مواجه شوند. پژوهشگر و نظریه‌پرداز باید واقعیت‌های تلخی را که برخلاف میل یا اعتقاد و باور و نظر خودش یا دیگران است بپذیرد، با آن‌ها روبه‌رو شود و آن‌ها را بیان کند. حتی شایسته است آن‌ها را بزرگنمایی کند تا بتواند خطرات و تبعات منفی و مخرب آن را نشان دهد و مسئولان ذی‌ربط را به یافتن راه‌حل وادار کند. تا زمانی که انسان با واقعیت‌های تلخ روبه‌رو نشود، آن‌ها را فهم نکند و نپذیرد، نمی‌تواند قدمی در جهت اصلاح بردارد.

۳. درک نظرات مخالف: نادیده‌گرفتن اندیشه‌ها و نظرات مخالف حتی اگر تک‌رشته‌ای باشند نه تنها موجب تضعیف آن‌ها و تقویت نظرات میان‌رشته‌ای نمی‌شود بلکه باعث می‌شود اندیشه‌ها، نظرات، و دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای نحیف، ضعیف، یک‌طرفه و تک‌بعدی بار بیابند و باقی بمانند. پژوهشگر و نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای باید با جرئت و جسارت و روی گشاده به استقبال اندیشه‌ها و نظرات مخالف برود و نه به صورت نمایشی، صوری، شعاری و رفع تکلیفی، بلکه در حقیقت و با تمام وجود درصدد فهم آن‌ها برآید. در این صورت قادر خواهد بود خودش اندیشه‌ها، نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی عمیق و جدی خلق کند. وجود مخالف همیشه نعمت و فرصت است که از اختلاف در «طبایع و سلايق» ناشی می‌شود.^۲ نظرات مخالف به‌هر حال به‌عنوان یک واقعیت وجود دارند و بی‌توجهی ما به آن‌ها چیزی را تغییر نمی‌دهد.

۱. ضرب‌المثل «مثل کبک سرش را زیر برف کرده» به این معنی است که وقتی کبک شکارچی را می‌بیند سرش را زیر برف می‌کند و فکر می‌کند که شکارچی او را نمی‌بیند. کنایه از فرار از واقعیت یا انکار آن.

۲. اختلاف طبایع و سلايق از مزیت‌های نظام خلقت و جزو ذات آن است و اختلاف در اندیشه‌ها و نگرش‌ها نیز از همین جا ناشی می‌شود. اختلاف در تفکر و نگرش و در مرحله بعد اختلاف و تضاد در منافع را باید پذیرفت ولی با گفت‌وگو و مصالحه بر مبنای عدالت و با محوریت محبت به توافق رسید. جاهلان اختلاف و مخالفت را به نفرت و کینه و دشمنی تفسیر یا تبدیل می‌کنند. خواجه‌نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری مباحث مبسوط و مفیدی در این خصوص دارد (طوسی، ۱۳۸۷).

۴. توجه به فضای فکری مخاطب: حوزه‌های میان‌رشته‌گی برای بسیاری از افراد نامفهوم یا غیرقابل فهم می‌نماید. در فرهنگ گفتاری و نوشتاری، معمولاً افراد حرف، نظر، دغدغه و ایده خود را مطرح می‌کنند و کمتر فضای فکری، سطح و میزان درک، و نیاز و دغدغه مخاطب را در نظر می‌گیرند. چنین شرایطی همانند سخن گفتن با گنگ‌هایی است که شما را نمی‌فهمند. به عبارت دیگر، افراد ضمن اینکه سخنان همدیگر را می‌شنوند اما منطق و فضای فکری یکدیگر را درک نمی‌کنند. شناخت و فهم عمیق منطق و فضای فکری مخاطبان، نه به قصد پاسخ یا مجادله، بلکه به قصد درک و یادگیری از آن، از ضرورت‌های هرگونه پژوهش و نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای است. باید تلاش کرد مباحث یا نظریه‌های میان‌رشته‌ای را متناسب با فضای فکری مخاطب طرح کرد.

۵. تقدم فهم بر تجویز: در فرهنگ سیاسی اجتماعی و حتی فرهنگ علمی ایران، حرص و ولع زیادی برای امر و نهی، توصیه و نصیحت و کنترل‌گری وجود دارد. اغلب افراد نسخه می‌پیچند و راه حل ارائه می‌دهند در حالی که کمتر درصدد فهم و درک عمیق مسئله و شرایط، آن‌گونه که هست، برمی‌آیند. در ایران، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، تربیتی، و... هر کسی انتظار دارد بقیه مثل او بیندیشند، مثل او انتخاب کنند و هر آنچه او می‌پسندد بپسندند. به همین دلیل راه‌های مورد نظر خودشان را برای دیگران نیز تجویز می‌کنند بدون اینکه باورها، انگاره‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و شرایط طرف مقابل را به‌طور عمیق درک کرده باشند. شایسته است نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای انرژی و تمرکز زیادی برای فهم منطق و زیرلایه‌های یک پدیده یا فرد صرف کند و ابتدا مسئله را به خوبی از منظرهای مختلف درک نماید.

۶. برون‌نگری: پژوهشگر و نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای باید بیرون از فرهنگ و جامعه خود را نیز بی‌طرفانه بشناسد، جهان‌دیده باشد و به تجربیات بشری و میان‌جامعه‌ای نیز ارجحیت دهد. غرق شدن انسان در خود و جامعه و فرهنگ و باورها و اندیشه‌های خود بدون اینکه جهان بیرونی را شناخته باشد او را به لحاظ نظری غرق و خفه می‌کند و این آفت بزرگی است که به کوتاه‌فکری و کوتاه‌بینی و در نهایت عقب‌ماندگی و انحطاط می‌انجامد.



منظور از شناخت بی طرفانه سایر جوامع و جهان، نه صرفاً دیدن و اطلاع از آن‌ها، بلکه شناخت بدون تعصب و بدون پیش داوری تجربیات انسان‌ها در نقاط مختلف جهان و شناخت علل و منطق پنهان در آن‌ها، و شناخت پشتوانه‌های نظری موجود در کنش‌های اجتماعی و سیاست‌های جوامع جهانی است.

جدول ۲. الزامات و اقتضائات فرهنگی

ردیف	ویژگی مورد نیاز	ضرورت- پیامد علی
۱	پرهیز از تعصب میان‌رشته‌ای	تعصب مانع فهم واقعیت و حقیقت
۲	واقع‌گرایی تلخ	نیفتادن در دام فهم و تفسیر مطابق میل
۳	درک نظرات مخالف	فهم واقعیت و تعدیل نظرات نادرست
۴	توجه به فضای فکری مخاطب	ضرورت رسیدن به هدف
۵	تقدم فهم بر تجویز	درک فضای فکری جامعه و افراد و پرهیز از تعمیم نگرش خود
۶	برون‌نگری	نجات از کوته‌بینی و کوته‌فکری و گذار به جهانی‌اندیشی



۵-۳. الزامات و اقتضائات ذهنی

منظور از الزام‌ها و اقتضائات ذهنی داشتن قابلیت‌ها، مهارت‌ها و فنونی است که به ذهن و زبان و قدرت اندیشه‌ورزی افراد بازمی‌گردد و برای نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای نقش محوری دارند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. **خلاقیت:** بدون تردید نظریه آن هم در حوزه میان‌رشته‌گی یک خلق و نوآوری چندوجهی است و نظریه‌پردازی حتماً به خلاقیت نیاز دارد. اگرچه بعضی ذهن‌ها ذاتاً خلاق‌ترند، اما هر ذهنی می‌تواند خلاقیت را در خود تمرین و تقویت کند. هر انسانی که وارد عرصه دانش شده و مراتبی را طی کرده، اگر تصور می‌کند خلاقیت بالایی ندارد، می‌تواند این خلاقیت را تا حدی در خود ایجاد و تقویت کند؛ به شرطی که بخواهد و اراده خود را بر آن متمرکز کند. البته تقویت خلاقیت خود به اصول و قواعد و شیوه‌هایی نیاز دارد که موضوع بحث ما نیست و در منابع مربوطه قابل دسترسی است.^۱

۱. درخصوص اصول و شیوه‌های ایجاد و تقویت خلاقیت رجوع کنید به: جاکارد و جکوبی، ۱۳۹۵، ص ۸۱-۹۱.

۲. ذهن انتزاعی: ذهن انتزاعی یعنی ذهنی که دارای قدرت تصویرسازی، تخیل، استدلال‌سازی، کشف روابط بین پدیده‌ها، شناخت و فهم نقاط مبهم و مجهول از طریق ایجاد ارتباط بین معلوم‌ها، بازسازی ذهنی واقعیت‌های اجتماعی، اختراع انواع مدل‌ها، تصور انواع سناریوها و مواردی از این قبیل است که عالم علوم انسانی و اجتماعی را قادر می‌کند پدیده‌های این حوزه را ابتدا بهتر فهم و تحلیل کند و سپس راه‌حل ارائه دهد یا نظریه پردازد. داشتن ذهن انتزاعی به تمرین و تلاش نیاز دارد و یک امر ضروری برای نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای است.

۳. تفکر انتقادی: تفکر انتقادی به معنی بازنگری در تفکرات، باورها و نحوه فهم و دانش و معرفت خود است. تفکر انتقادی شک در باورها و یافته‌های خود، و صحت‌سنجی دوباره آن‌ها از منظرها و مبانی مختلفی است که تاکنون آن را نمی‌دیدیم. اساس نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای گذار از رویکرد رشته‌ای با تفکر انتقادی است. یک ذهن نقاد به آسانی به باورها و یافته‌های خود اعتماد نمی‌کند و از منظرها و رویکردهای گوناگون و عمدتاً مخالف در خود تردید می‌کند تا به اطمینان مضاعف در خصوص دانسته‌های خود دست یابد. نظریه‌های میان‌رشته‌ای باید از منظر تفکر انتقادی نگریسته و پرداخته شوند.^۱

۴. تفکر سیستماتیک: نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای به یک ذهن نظام‌مند پیچیده نیاز دارد. اگر یک سیستم خودرو برای تردد در هوای پنجاه درجه بالای صفر ساخته شود یک سری نیازها و اقتضائاتی دارد. اگر یک سیستم خودرو برای تردد در هوای پنجاه درجه زیر صفر ساخته شود اقتضائات دیگری دارد. اما اگر قرار باشد خودرویی بتواند هم در پنجاه درجه بالای صفر و هم پنجاه درجه زیر صفر ساخته شود به مراتب سیستم پیچیده‌تری از دو مورد فوق نیاز دارد. نظریه‌پردازی ساختن یک سیستم توسط ذهن و خلاقیت انسان است. نظریه میان‌رشته‌ای یک سیستم فکری است که باید در شرایط و اقلیم‌های مختلف معرفتی و اجتماعی کارایی داشته باشد.

۱. جهت اطلاع از ابعاد تفکر انتقادی ر.ک: ریچارد پل، تفکر انتقادی، ترجمه اکبر سلطانی، تهران: نشر اختران، ۱۴۰۴. حسن قاضی مرادی، درآمدی بر تفکر انتقادی، تهران: نشر اختران، ۱۴۰۴.





۵. تلفیق نظر و عمل: اساساً پدیده میان‌رشته‌گی با هدف حل مسئله ایجاد شده است. تلفیق عمیق‌ترین و جدیدترین یافته‌ها و نظریه‌های علمی با واقعیت‌های عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و پیوند آن‌ها با مسئله‌ها و مشکلات زمخت موجود در حوزه‌های ذی‌ربط، از ضرورت‌های پژوهش و نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای است. در جامعه علمی و نظام سیاسی و اداری ایران معمولاً دو گروه استادان، پژوهشگران و تصمیم‌گیران به چشم می‌خورند: نخست کسانی که در مباحث نظری غرق هستند و از اقتضائات و شرایط عرصه‌های عملی و اجرایی اداری، عملی و شرایط عینی غرق‌اند ولی پشتوانه‌های نظری و علمی ندارند. نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای باید تلفیقی از هر دو باشد.

۶. دقیق و شفاف‌گویی: مفاهیم، واژه‌ها و جملاتی که پژوهشگر و نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای استفاده می‌کند باید دقیق و شفاف باشند یا آن‌ها را به‌طور دقیق و شفاف تعریف کند و از کلی‌گویی، ابهام، ابهام و مواردی از این قبیل پرهیزد. فرهنگ گفتاری و نوشتاری در برخی جوامع کمتر با دقیق‌گویی و شفاف‌گویی همراه با شاخص‌های قابل‌سنجش عجین است و معمولاً راهی برای توجیه، فرار، انکار، توریه و... باز می‌گذارد.

۷. نجات از «باید» و «اگر»: «باید» و «اگر» نقش و فراوانی زیادی در مکالمات و نوشته‌های جامعه ایران دارند و این امر موجب شده از واقع‌گرایی دور شود و کاربردی و معطوف به حل مسئله نباشد. بسیار تمرین می‌خواهد تا «باید» و «اگر» را در مواردی که ما را از واقعیت دور می‌کند از نوشته‌ها و سخنان خود حذف کنیم و بر اساس «هست‌ها» و «ممکن‌ها» سخن بگوییم. ضروری است نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای مباحث، گزاره‌ها، مفروضات و حکم‌های خود را به «بایدها» و «اگرها» نامعلوم پیوند نزند.

جدول ۳. الزامات و اقتضانات ذهنی

ردیف	ویژگی مورد نیاز	ضرورت یا پیامد علی
۱	خلاصیت	جوهره نظریه پردازی میان رشته‌ای
۲	داشتن ذهن انتزاعی	ضرورت تخیل، تصویرسازی، استدلال‌سازی، کشف روابط بین پدیده‌ها، بازسازی ذهنی واقعیت‌ها، اختراع انواع مدل‌ها و سناریوها
۳	تفکر انتقادی	بازنگری در یافته‌ها از منظرهای مختلف و کشف کاستی‌ها
۴	تفکر سیستماتیک	نظریه یک سیستم مخلوق ذهن است و نظریه میان رشته‌ای یک سیستم پیچیده‌تر
۵	تلفیق نظر و عمل	کم‌فایده‌گی پژوهش و نظریه غیر عملی
۶	دقیق و شفاف‌گویی	ضرورت رسیدن به هدف و حل مسئله
۷	نجات از «باید» و «اگر»	رهایی از ایدئال‌گرایی، توهم و مطلوب‌های غیر ممکن و دست‌نیافتنی

۴-۵. الزامات و اقتضانات شخصیتی

الزام‌ها و اقتضانات شخصیتی به روحیات، ویژگی‌ها و خصیصه‌های شخصی و روان‌شناختی پژوهشگر و نظریه‌پرداز بازمی‌گردد. نوع شخصیت افراد نقش مهمی در نوع کنش‌ها، نظرات و نظریه‌پردازی میان رشته‌ای دارد. مهم‌ترین الزامات و اقتضانات شخصیتی عبارت‌اند از:

۱. انگیزه‌مندی: نخستین شرط ضروری برای اقدام و انجام تحقیق و نظریه‌پردازی میان رشته‌ای وجود انگیزه کافی و بیش از انگیزه‌های رشته‌ای است. انگیزه ممکن است الهی، معنوی، علمی، خدمت به کشور، خدمت به بشریت، وظیفه سازمانی، گرفتن مدرک، مالی و مادی، ترفیع و ارتقای سازمانی یا هر چیز دیگری باشد. به‌هر حال، با وجود انگیزه کافی برای ورود به حوزه میان‌رشته‌گی، نظریه میان رشته‌ای خلق می‌شود، همیشه انگیزه‌های درونی، معنوی و اخلاقی مؤثرتر و کارآمدتر از انگیزه‌های مادی یا سازمانی هستند؛ با این حال، اصل وجود انگیزه مهم‌تر از چه بودن آن است.

۲. باورمندی: کسی می‌تواند در حوزه میان رشته‌ای نظریه‌پردازی کند که با تمام وجود باور داشته باشد که آن کار شدنی است و او از عهده‌اش بر می‌آید. باید بدانند کسانی که نظریه‌پردازی کرده‌اند انسان‌های ویژه‌ای نبوده‌اند که از کرات دیگر آمده باشند. لازم است پژوهشگر و نظریه‌پرداز میان رشته‌ای اعتماد به نفس و باور به خود را





برای انجام کارهای بزرگ در ذهن و ضمیر خودش ایجاد کرده باشد و مطمئن باشد که به هدفش خواهد رسید.

۳. هدف‌مندی: کسی که می‌خواهد پا در عرصه نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای بگذارد باید دارای هدف باشد و تا رسیدن به آن از پای ننشیند. هر چه پژوهشگر دارای اهداف بلندتری باشد انگیزه بیشتری برای کار خواهد داشت و در اینجا کمترین هدفی که برای خود تعریف می‌کند ساختن یک نظریه میان‌رشته‌ای است که می‌تواند برای یک هدف بالاتری که حل مسأله یا فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی اجتماعی است پیگیری شود.

۴. رسالت‌مندی: داشتن رسالت در زندگی علمی، مهم‌تر و بالاتر از داشتن هدف است. هدف معطوف به یک موضوع و زمان خاص است و پس از رسیدن به آن تمام می‌شود؛ اما رسالت به درازای عمر و زندگی هر کس تعریف می‌شود و فرد تا زنده است در صدد ایفای رسالتی است که برای خودش تعریف کرده است. کسی که برای خود رسالت علمی در حوزه میان‌رشته‌ای تعریف کرده، نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای می‌تواند بخشی از آن یا گامی در جهت انجام رسالتش باشد.

۵. حوصله‌مندی: نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای همانند هر پژوهش دیگری و بلکه بیشتر از سایر پژوهش‌ها، یک فرایند علمی عمیق و تقریباً طولانی است. اگر چه صبر و حوصله و پرهیز از عجله و سرهم‌بندی، لازمه هر کار درست و ارزشمندی است اما ضرورت و اهمیت آن در نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای دوچندان است. لازم است نظریه‌پرداز میان‌رشته‌ای با صبر و حوصله و تحمل بالا، مراحل را طی کند، به عمق مباحث در رشته‌های مختلف برود، بارها به عقب برگردد و مطالب نوشته‌شده را مجدداً اصلاح کند و از اینکه بارها یک مطلب را تغییر می‌دهد حوصله‌اش سر نرود.

۶. پشتکار: هر محصول و دستاورد ارزشمندی به سختی به دست می‌آید و «نابرده رنج هیچ گنجی میسر نمی‌شود» ولی با سخت‌کوشی و تلاش مستمر، هر امری دست‌یافتنی است. اگر در یک زمان و موضوع خاص، هدف یک پژوهشگر ساختن یک نظریه میان‌رشته‌ای است، لازمه آن سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری است تا

دل‌سرد نشود، موانع و مشکلات او را عقب نراند و در هیچ حال از مسیر و هدف خود ناامید نشود.

۷. ریزینی: کلیات را همه می‌بینند و امور کلی و کلان در هر صورت به پیش می‌رود. آنچه موجب مزیت برخی بر پاره‌ای دیگر می‌شود دقت به جزئیات است. قضاوت در مورد کار و عملکرد هر فرد و سازمان یا شکوه یک مراسم و همایش، از میزان توجه آن‌ها به جزئیات مشخص می‌شود. در نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای هم بایستی امور ریز و جزئی که دیگران از آن غافلند یا توجه بقیه را جلب نمی‌کند، مورد توجه نظریه‌پرداز قرار گیرد. نظریه‌پردازی که میان‌رشته‌ای کار می‌کند نکات و جزئیاتی را در هر رشته می‌بیند که متخصصان خاص آن رشته از دیدن آن عاجزند.

جدول ۴. الزامات و اقتضانات شخصیتی

ردیف	ویژگی مورد نیاز	ضرورت یا پیامد علی
۱	انگیزه‌مندی	شرط ضروری برای آغاز، انجام و پایان هر کاری
۲	باورمندی	عدم موفقیت بدون باور به توانایی نظریه‌پردازی
۳	هدف‌مندی	سستی و پوچی هر اقدام بدون هدف
۴	رسالت‌مندی	ضرورتی برای تداوم کار طی چند دهه و انباشت دانش و تجربه
۵	حوصله‌مندی	ملول نشدن از طولانی شدن فرایندهای علمی و نظریه‌پردازی
۶	پشتکار	خسته و دل‌سرد نشدن و رها نکردن کار به دلیل مشکلات
۷	ریزینی	توجه به جزئیات و نکات ریز مزیت نسبی نظریه‌پرداز

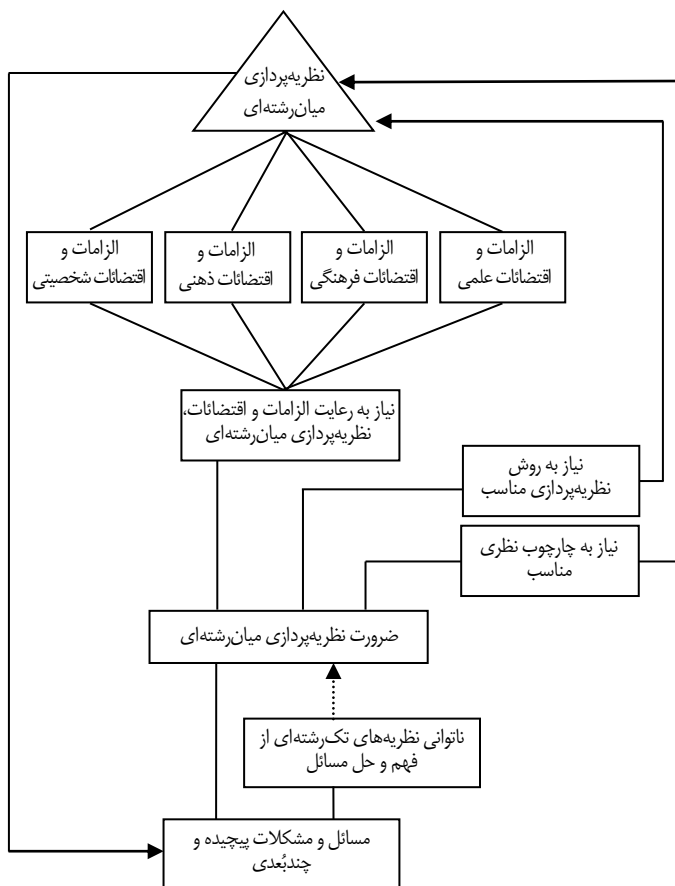
۶. نتیجه‌گیری

نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای و حتی پژوهشگری فقط یک فن و مهارت مکانیکی نیست که افرادی با یادگرفتن و به‌کار بستن آن‌ها نظریه‌پرداز و پژوهشگر شوند. بلکه یک فرایند نگرشی، منشی و روشی است که سرشت و ساختار ذهنی و شخصیت علمی افراد بر اساس آن شکل می‌گیرد. نظریه‌پردازی و پژوهشگری نوعی تربیت و پرورش ذهن و زبان و قلم است که در شخصیت نظریه‌پرداز و پژوهشگر تکوین می‌یابد، به او قدرت و مهارتی برای فهم پدیده‌های انسانی و اجتماعی می‌دهد، و در ذهن و قلم و شخصیت او



متجلی می‌شود. الزامات و اقتضائاتی که در چهار دسته بیان شد، در طول زمان نگرش‌ها و منش‌های ویژه‌ای را برای نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای و پژوهشگر می‌سازند و او را به یک شخصیت علمی دارای ذهن منسجم و دارنده نگاه عمیق تبدیل می‌کنند. به صرف خواست و اراده، افراد نمی‌توانند به این جایگاه برسند بلکه باید از طریق تمرین و ممارست ذهنی و تجربی در یک سیر تکاملی زیر نظر استادان با تجربه، چنین ویژگی‌ها، نگرش‌ها و منش‌هایی را کسب کنند. در یک نظام آموزشی موفق، «آموزش» و «پرورش» یا «تعلیم» و «تربیت» با هم و توأمان انجام می‌شوند. فقط آموزش و تعلیم هیچ ملکه‌ای را در نگرش و رفتار انسان‌ها ایجاد نمی‌کند بلکه صرفاً دانسته‌ها و محفوظات است. آنچه ذهن و رفتار و شخصیت انسان را می‌سازد پرورش و تربیت است که یک فرایند عملی همراه با پابندی است. صرف آموزش در همه امور، از جمله پژوهش و نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای، آسان است؛ اما به‌کار بستن و پابندی به آن‌ها دشوار است. در نظام دانشگاهی ایران از دوره لیسانس تا دکترا دروس متعددی در باب روش تحقیق تدریس می‌شود و دانشجویان معمولاً بیشترین مشکل را در همین روش تحقیق دارند. به این دلیل که روش تحقیق فقط آموزش داده می‌شود و یک درس عملی تلقی نمی‌شود. در مواردی که درس همراه با تمرین و کاربردی ارائه شده طبعاً نتایج هم به‌همان میزان موفقیت‌آمیز بوده است. نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای نیز یک فرایند عملی است که علاوه بر مهارت‌های فنی، به مهارت‌های ذهنی، زبانی، نگرشی، فرهنگی و شخصیتی نیز نیاز دارد.





نمودار ۱. مدل الزامات و اقتضائات نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای

منابع

ابراهیمی کوشک مهدی، سمیه؛ آهنچیان، محمدرضا؛ حسینقلی زاده، رضوان (۱۴۰۰). ارزیابی نظریه‌پردازی در مطالعات مدیریت آموزشی بر اساس معیارهای میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۳(۴)، ۱-۳۰. doi:10.22035/isih.2021.374

اوبرفیلد، زاخاری (۱۳۹۷). جامعه‌پذیری دیوانی (ترجمه محمد صفایی). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

ایمان، محمدتقی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

آشوری، داریوش (۱۳۹۳). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.

آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۱۰ ق.). غررالاحکم و ذررالکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.

بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.

بلیکی، نورمن (۱۳۹۹). طراحی پژوهش‌های اجتماعی (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: نشر نی.

پل، ریچارد (۱۴۰۴). تفکر انتقادی (ترجمه اکبر سلطانی). تهران: نشر اختران.

جاکارد، جیمز؛ و جکوبی، جیکوب (۱۳۹۵). مهارت‌های نظریه‌پردازی و مدل‌سازی (ترجمه مریم عالم‌زاده).

تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

جمالزاده، محمدعلی (۱۳۴۴). خلیقات ما ایرانیان. بی‌جا: بی‌نا.

چرنوف، فرد (۱۳۸۸). نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل (ترجمه علیرضا طیب). تهران: نشر نی.

حسینی، سیدرضا (سروراستار) (۱۳۸۷). نظریه‌پردازی (ترجمه سیدرضا حسینی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید (۱۴۰۲). اصول و مبانی روش‌های کیفی (جلد ۱). تهران: نگاه دانش.

دانایی فرد، حسن (۱۳۸۶). نظریه‌پردازی؛ مبانی و روش‌شناسی‌ها. تهران: انتشارات سمت.

درزی، قاسم؛ قراملکی، احد فرامرز (۱۳۹۹). روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآنی. تهران: انتشارات دانشگاه

امام صادق (ع) و دانشگاه شهید بهشتی.

ذکایی، محمدسعید (۱۴۰۲). هنر انجام پژوهش کیفی؛ از مسئله‌یابی تا نگارش. تهران: انتشارات آگاه.

ذکایی، محمدسعید (۱۴۰۲). هنر انجام پژوهش کیفی؛ از مسئله‌یابی تا نگارش. تهران: انتشارات آگاه.

ربکو، آلن (۱۳۹۴). پژوهش میان‌رشته‌ای؛ نظریه و فرایند (ترجمه محسن علوی‌پور و دیگران). تهران: پژوهشکده

مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۹). کندوکاوها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۰

دوره ۱۸، شماره ۲

بهار ۱۴۰۵

پیاپی ۷۰

سریر القلم، محمود (۱۳۸۰). روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. تهران: نشر فرزانه روز.

سریر القلم، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۸). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری. تهران: انتشارات سمت.

طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۸۷). اخلاق ناصری (تصحیح و تنقیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری). تهران: انتشارات خوارزمی.

علیخانی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). روش لایه‌ای در اندیشه‌پژوهی. تهران: نشر نگاه معاصر.

علیخانی، علی‌اکبر (۱۴۰۳ الف). چالش‌ها و موانع فرهنگی نظریه‌پردازی میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۶ (۳)، ۲۸-۵. doi: 10.22035/isih.2024.5302.5024

علیخانی، علی‌اکبر (۱۴۰۳ ب). نظریه‌پردازی با نظریه و روش ارته. تهران: نشر نگاه معاصر.

غلامی، محمد (۱۳۹۹). پیری فرهنگی و فرهنگ پیری. تهران: نشر اندیشه احسان.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۹). ما ایرانیان. تهران: نشر نی.

قاسمی، حمید (۱۴۰۰). مرجع پژوهش (ویراست نوزدهم). تهران: نشر اندیشه آراء.

قاضی مرادی، حسن (۱۴۰۴). درآمدی بر تفکر انتقادی. تهران: نشر اختران.

قراملکی، احدفرامرز (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

کرایپ، یان (۱۳۸۱). نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس (ترجمه عباس مخبر). تهران: نشر آگه.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: نشر فرهنگ صبا.

منادی، مرتضی (۱۳۸۷). درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری. تهران: نشر جیحون.

نراقی، حسن (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی خودمانی. تهران: نشر اختران.

نهج البلاغه (۱۳۷۱). (ترجمه سیدجعفر شهیدی). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

وندی‌ون، اندرو (۱۳۹۲). روش‌شناسی نظریه‌پردازی بر مبنای پژوهش مشارکت‌جویانه در علوم اجتماعی (ترجمه حسن دانایی‌فرد). تهران: انتشارات صفار.

Dubbin, R. (1978). *Theory Building*. New York: Free Press.

Gilbert, N. (1993). Research, Theory and Method. In: N. Gilbert (Ed), *Researching Social Life* (pp. 18-31). London: Sage.

Gioia, D. A., & Pitter, E. (1990). Metaparadigm perspective on theory building. *Academy of Management Review*, 15(4), 584-602



- Gregor, Sh. (2005). The struggle towards an understanding of theory in information system.
In: N. Dennis, & Sh.D. Gregor (Eds.), *Information System Foundation: Building and Criticizing*, Canberra: Australian National University.
- Kaplan, M. (1969). Problems of Theory building and Theory Confirmation in international Politics. In: K. Knorr, & S. Verbal (Eds), *The international system: Theoretical Essays*, New Jersey, Princeton University Press.
- Popper, K.R. (1959). *The Logic of scientific discovery*. London: Hutchinson.
- Swedberg, R. (2012). Theorizing in sociology and social science: turning to the context of discovery. *Theory and Society*, 41(1), 1- 40. doi: 10.1007/s11186-011-9161-5
- Turner, J.H. (1991). *The structure of Sociological Theory*. Belmont: Wadsworth.



مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی

۳۲

دوره ۱۸، شماره ۲
بهار ۱۴۰۵
پیاپی ۷۰